

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

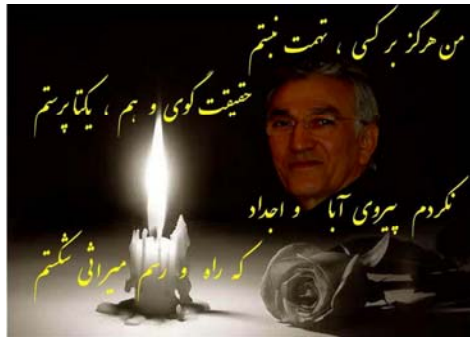
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

۰۳ اگست ۲۰۱۸



آمدی، بد آمدی

ای امیرِ حزبِ شیطان، آمدی، بد آمدی
بُود نامت، زینتِ لیستِ سیاه پنتاگون...
ای اجیرِ اجنبی! ای مردم و میهن فروش
باز با تیزاب و زهرِ دال خورانِ کثیف
آنچه با مردم نمودی، مار و کفتاری نکرد
میکشی بارِ اجانب را به دوشت، ای الأغ!
تُف به نام و کام و ریش و چهرهٔ ملعونِ تو
باز با چال و فریب، ای نطفهٔ ابلیسِ دون
چون شپش از نیفهٔ تنبانِ پاکستانیان
چون کنه از پشم از زیرِ ناف و از زیرِ بغل
لعنتِ حق بر تو و افعالِ نافرجامِ تو
یادت از (صوفی کریم خان کِرینکار) آورم
نوکران و چاکران و خادمانت، پیش، پیش
خامهٔ «نعمت» به جولان، تا ترا با مشتِ شعر
راکت و با توپ و هاوان، آمدی، بد آمدی
فاقد و فارغ ز ایمان، آمدی، بد آمدی
تاجرِ ناموس و وجدان، آمدی، بد آمدی
تنگ و عارِ قومِ افغان، آمدی، بد آمدی
خون چکان از نیش و دندان، آمدی، بد آمدی
کُره خرا! حالا به فرمان، آمدی، بد آمدی
ای کثیفِ پستِ حیوان، آمدی، بد آمدی
تاپه و با مَهر و قرآن، آمدی، بد آمدی
یا که از چرکِ گریبان، آمدی، بد آمدی
یا که از اُنگیٔ ایشان، آمدی، بد آمدی
یعنی، ای مَفْعُولِ دوران، آمدی، بد آمدی
(یوسفِ سُرخه) خرامان، آمدی، بد آمدی
سرخم و بر دوش پال، آمدی، بد آمدی
بشکند هم پُوز و دندان، آمدی، بد آمدی



آمدی، بد آمدی



ای امیر حزب شیطان، آمدی، بد آمدی
رکت و باتوپ و ناوان، آمدی، بد آمدی
بود نامت، زینت لیست سیاه پنتاکون
فاند و فارغ ز ایسان، آمدی، بد آمدی
ای اجیر اجنبی! ای مردم و مین فروش
تاجیر ناموس و وجدان، آمدی، بد آمدی
باز با تیزاب و زهر دال خوران کثیف
کنک و عار قوم افغان، آمدی، بد آمدی
آنچه با مردم نمودی، مار و کفتاری نکرد
خون چکان از نیش و دندان، آمدی، بد آمدی
میکشی بار اجانب را به دوشت، ای اُلغ!
کره خسر! حالا به فرمان، آمدی، بد آمدی
تُف به نام و کام و ریش و، چهره ملعون تو
ای کثیف پست حیوان، آمدی، بد آمدی
باز با چال و فریب، ای نطفه املیس دون
تپه و با مَهر و قسر آن، آمدی، بد آمدی
چون شپش از نیفه تبان پاکستانیان
یاکه از چسک گریبان، آمدی، بد آمدی
چون کند از پشم زیر ناف و از زیر بغل
یاکه از لُنگے ایشان، آمدی، بد آمدی
لغت حق بر تو و، افعال نافرجام تو
یعنی، ای مَفْعُولِ دوران، آمدی، بد آمدی
یادت از (صوفی کریم حسان کرنگار) آورم
(یوسف سُرخه) خسران، آمدی، بد آمدی
نوکران و چاکران و خادمانت، یش، یش
سرخس و بردوش پلان، آمدی، بد آمدی
خامه «نعمت» به جولان، تا ترا باشت شعر
بشکندهم پوز و دندان، آمدی، بد آمدی